



E=MC²

ECONOMICS = MORE CASH²



E-book آموزشی

آکادمی بروکر

ITB



itbfx.co

آشنایی با بازار فارکس

فارکس، یا بازار تبادل ارزهای خارجی، که به اختصار **Forex** یا **FX** نیز شناخته می‌شود، از عبارت "**Foreign Exchange**" گرفته شده. این بازار، یکی از مهم‌ترین بازارهای مالی جهان است که در آن ارزهای رسمی کشورهای مختلف به عنوان جفت‌ارزها معامله می‌شوند. برای مثال، شما در بازار فارکس می‌توانید دلار آمریکا را با ارز یورو مبادله کنید.



مهم‌ترین ویژگی فارکس این است که برخلاف بازار بورس، بازار فیزیکی متمرکزی ندارد و معاملات بین بانک‌ها، موسسات مالی و سرمایه‌گذاران انجام می‌شود.

این بازار به دلیل ویژگی‌های خاص خودش، به عنوان یک بازار بسیار پویا و فعال شناخته می‌شود. معامله‌گری در بازار **Forex** اغلب به صورت آنلاین انجام می‌شود و افراد به راحتی از سراسر جهان می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند.



E=MC²

ECONOMICS = MORE CASH²

حجم بازار و نقدینگی بالا

همونطور که قبلا گفتیم، بازار فارکس یک بازار بزرگه که در اون افراد، شرکت‌ها، موسسات و بانک‌ها مدام در حال معامله دارایی‌های مختلف هستند. به همین دلیل، در این بازار، پول همیشه در حال **گردشه** و این به معنای نقدینگی‌ست. زمانی که نقدینگی در یک بازار **بالا** باشه، شما هر زمان و با هر حجمی که بخواهید می‌تونید معامله کنید چرا که در این بازار همیشه **خریدار و فروشنده** وجود داره. یکی از دلایلی که معامله‌گران جذب بازار فارکس میشن، همین **نقدینگی بالاست**.





بازار ۲۴ ساعته

بازار فارکس یک بازار بین‌المللیه که به صورت ۲۴ ساعته و در پنج روز هفته (به جز روزهای تعطیل در شنبه و یکشنبه) فعالیت داره که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این بازاره. درسته که بازار فارکس در همه نقاط جهان فعالیت داره اما سشن‌های معاملاتی به ترتیب از استرالیا شروع و بعد به بازار ژاپن و انگلستان می‌رسه و در نهایت به بازار نیویورک ختم می‌شه.



New york



London



Tokyo



Sydney



بازیگران بازار فارکس

سازمان‌های دولتی، بانک‌های مرکزی، بنگاه‌های اقتصادی و صرافی‌های بزرگ از بازیگران اصلی بازار فارکس هستند. درسته که همه افراد، اعم از معامله‌گران خرد یا افراد عادی، می‌تونند در این بازار فعالیت کنند، اما این **بازیگران اصلی** هستند که به دلیل حجم بالای معاملاتشون، می‌تونند بر روی **نرخ جفت‌ارزها** تاثیر بگذارند. با این حال، معامله‌گران خرد هم می‌تونند از طریق بروکرها به بازار فارکس دسترسی داشته باشند. این بروکرها پلتفرم‌های معاملاتی، ابزارها و خدمات مالی متنوعی را برای مشتریانشون ارائه می‌کنند.





بازار دو طرفه (Long **VS** Short)

یکی از ویژگی‌های بازار فارکس اینه که دو طرفه‌ست. شاید براتون سوال پیش بیاد که بازار دو طرفه یعنی چی؟ **بازار دو طرفه** یعنی اینکه معامله‌گران می‌تونند از افزایش (پوزیشن Long) یا ریزش (پوزیشن Short) قیمت‌ها سود کنند.

معامله‌گر وقتی وارد پوزیشن Long میشه که میخواد از افزایش قیمت سود کنه. بنابراین، اگر قیمت اون دارایی بالا بره، معامله‌گر سود میکنه و مسلماً اگر قیمت اون دارایی پایین بیاد، معامله‌گر ضرر میکنه.



در پوزیشن Short معامله‌گر پیش‌بینی میکنه که قیمت یک دارایی خاص قراره کاهش پیدا کنه؛ پس، اگر قیمت دارایی کاهش پیدا کنه، معامله‌گر سود کرده و اگر قیمت رشد کنه، معامله‌گر ضرر میکنه.





دارایی‌های قابل معامله



بازار فارکس با جفت‌ارزهایی مثل EUR/USD یا USD/JPY شناخته می‌شود، اما می‌توانید علاوه بر جفت‌ارزها، دارایی‌های مختلف دیگری رو مثل:

- 1 کامودیتی‌ها (کالاها)
- 2 فلزات (طلا، نقره و ...)
- 3 رمزارزها (بیتکوین، اتریوم و ...)
- 4 سهام
- 5 انرژی (نفت، گاز و ...)

معامله کنید. همونطور که گفتیم بروکرها شما رو به این بازارها وصل می‌کنند. بروکر ITB، با ارائه انواع دارایی‌ها در پلتفرم معاملاتی متاتریدر ۵، آپشن‌های معامله‌گری زیادی به شما پیشنهاد می‌کند.

نگران نباشید!

در ادامه انواع دارایی‌های مالی رو به شما معرفی می‌کنیم.





جفت ارزها (Currency Pairs)

جفت ارز یا "Currency Pair" یک نوع دارایی معاملاتی است که از دو ارز مختلف تشکیل شده و ارزش یک ارز رو نسبت به دیگری نشون میده. برای مثال، جفت ارز **EUR/USD**، نشون دهنده ارزش **یورو (EUR)** نسبت به **دلاره (USD)**.

EUR/USD	یورو / دلار آمریکا
USD/JPY	دلار آمریکا / ین ژاپن
GBP/USD	پوند انگلیس / دلار آمریکا
USD/CHF	دلار آمریکا / فرانک سوئیس
AUD/USD	دلار استرالیا / دلار آمریکا
USD/CAD	دلار آمریکا / دلار کانادا
NZD/USD	دلار نیوزیلند / دلار آمریکا

جفت ارزهای اصلی بازار (Major Currency Pairs)

جفت ارزهای معاملاتی زیادی در بازار وجود داره، اما محبوبترین و نقدشوندهترین آنها، جفت ارزهای اصلی هستند. هفت جفت ارز اصلی داریم

که یک طرف همه آنها USD یا همان دلار آمریکا قرار داره. معامله گران ترجیح می دهند که با جفت ارزهای اصلی معامله کنند چون نقدشوندگی بالا و اسپرد پایینی دارند.

ارز پایه (Base Currency) و ارز متقابل (Quote Currency)

هر جفت ارز دو بخش دارد: ارز اول یا "ارز پایه / Base Currency" و ارز دوم یا "ارز متقابل / Quote Currency".
برای مثال، در جفت ارز EUR/USD،
یورو، ارز پایه و دلار آمریکا، ارز متقابل.



خرید (Buy) و فروش (Sell) در بازار فارکس

معامله کردن جفت ارزها شامل خرید یک ارز و فروش ارز دیگر است. به زبان ساده، وقتی که معامله گر جفت ارزی رو می خرد، در واقع ارز پایه رو خریده و در مقابل ارز متقابل رو فروخته.

برای مثال، وقتی جفت ارز EUR/USD را در قیمت ۱.۲۰۰۰ می خریم، به این معنیه که به ازای هر یورو (ارز پایه)، ۱.۲۰۰۰ دلار آمریکا (ارز متقابل) پرداخت می کنیم. از طرف دیگر، اگر بخواهیم این جفت ارز رو در قیمت ۱.۲۰۰۰ بفروشیم، به این معنیه که برای خرید هر ۱.۲۰۰۰ دلار آمریکا، یک یورو پرداخت می کنیم.



قیمت درخواستی و پیشنهادی (Ask & Bid Price)

در بازار فارکس، دو قیمت اصلی
برای هر جفت ارز وجود دارد:



قیمت درخواستی
(Ask)



قیمت پیشنهادی
(Bid)

قیمت پیشنهادی (Bid)، قیمتی که شما
می‌توانید یک دارایی رو در اون قیمت
بفروشید، و قیمت درخواستی (Ask)،
قیمتی که می‌توانید اون دارایی رو بخرید.

بیایید یک مثال از دنیای واقعی بزنیم: شما ممکنه
یک دلار آمریکا رو به قیمت ۴۵ هزار تومان بخرید،
ولی اگر بخواید همون یک دلار بفروشید، صرافی
دلار رو ۴۳ هزار تومان از شما می‌گیرد.





نکته:

قیمت درخواستی (Ask Price) همواره از قیمت پیشنهادی (Bid Price) بالاتر است.



ارز پایه

ارز مظنه

پوند / یورو

1.2000 / 1.2005

قیمت پیشنهادی

قیمت درخواستی

نرخ تبدیل (Exchange Rate) در فارکس چیست؟

یکی از اصطلاحاتی که احتمالاً خیلی در بازار فارکس می‌شنوید، «نرخ تبدیل» یا **Exchange Rate** است. نرخ تبدیل در حقیقت همون نسبت قیمت یک ارز بر حسب یک ارز دیگست. مثلاً، اگر نرخ تبدیل بین EUR/USD مقدار ۱٫۲۰۰۰ باشه، یعنی می‌تونیم یک یورو رو با ۱٫۲۰۰۰ دلار آمریکا مبادله کنیم.



محاسبه نرخ تبدیل

قیمت ارز دوم (مظنه / متقابل) / قیمت ارز اول (پایه) = نرخ تبدیل

حالا بیایید یک مثال بزنیم:

فرض کنید شما یک شهروند آمریکایی هستید و می خواهید به ژاپن سفر کنید. پولی که شما برای این سفر در نظر گرفتید، ۱۰۰۰ دلار آمریکاست ولی خب باید پولتون رو به ین ژاپن تبدیل کنید. با توجه به اینکه نرخ تبدیل USD/JPY معادل ۱۳۵ است، شما می تونید هر یک دلار خودتون رو با ۱۳۵ ین مبادله کنید. خیلی خلاصه بخوام بهتون بگم، در ازای ۱۰۰۰ دلاری که دارید، ۱۳۵۰۰۰ ین ژاپن گیرتون میاد.





دوست دارید بدونید معاملات اهرمی تو بازار
فارکس چطور کار می‌کنه؟

حالا، چرا این کارو
می‌کنن؟ خوب،
معمولا نوسانات تو
بازار فارکس خیلی
کمه (خصوصا جفت
ارزهای اصلی)؛ پس،
برای اینکه سودی که
می‌گیرید ارزشش
رو داشته باشه، باید
بامبالغ بزرگ‌تری
معامله کنید.

بروکرهای فارکس این
امکان رو به شما میدن که
با استفاده از اهرم،
معاملاتی با حجم بزرگ‌تر
از میزان پولی که دارید،
انجام بدید. فکر کنید
بروکر یک مقدار سرمایه
اضافه در اختیارتون قرار
میده تا بتونید با پول
بیشتری معامله کنید و
سود بیشتری کسب کنید.

بیشتر معامله‌گران، مخصوصا کسانی که تازه شروع کردن،
پول زیادی توی حساب معاملاتی شون ندارند. **پس چکار**
کنند؟ بروکرها با ارائه **اهرم** به این معامله‌گران کمک
می‌کنند تا با پولی که دارند، پوزیشن‌های معاملاتی خیلی
بزرگ‌تری باز کنند. اینطوری می‌تونند از فرصت‌های
بزرگ‌تری استفاده کنند و در نتیجه **سود بیشتری** کسب کنند.

معاملات اهرمی مثل به ابزار جادویی
تو دنیای معاملات، که به شما
کمک می‌کند حتی اگر سرمایه
زیادی ندارید بتوانید
ترید کنید.

بیایید به مثال بزنیم: فرض کنید ۱۰۰ دلار توی حساب
معاملاتی تون دارید. بدون اهرم، فقط می‌تونید با
همین ۱۰۰ دلار معامله کنید، درسته؟
حالا، اگه از اهرم استفاده کنیم، داستان فرق می‌کنه!

تصور کنید اهرمی به نسبت ۱:۱۰۰ دارید. یعنی چی؟
یعنی با همون ۱۰۰ دلار، می‌تونید پوزیشن‌های
معاملاتی تا ۱۰ هزار دلار باز کنید! این یعنی سود
احتمالی شما هم می‌تونه تا ۱۰ برابر بیشتر بشه.

حالا بیایید به مثال دیگه بزنیم. فرض کنید می‌خواهید
پوزیشن معاملاتی برای جفت ارز USD/JPY باز کنید. اگه
از اهرم ۱۰۰ برابری استفاده کنید، می‌تونید با ۱۰ هزار دلار،
پوزیشنی به اندازه یک لات، معادل ۱۰۰ هزار دلار، باز کنید،
بدون اینکه نیازی به داشتن ۱۰۰ هزار دلار داشته باشید.
فکر کنید چه فرصت‌هایی پیش روی شماست!

نکته:

فقط یادتون باشه، این قدرت بزرگ،
با مسئولیت بزرگی هم همراهه،
پس با احتیاط ازش استفاده کنید!





ریسک‌های استفاده از اهرم

همه ما می‌دونیم که اهرم توی معاملات فارکس می‌تونه سودها رو چند برابر کنه، اما همیشه یک روی دیگه‌ی سکه هم هست. اهرم مثل یک شمشیر دو لبه است؛ همون‌طور که سودهای ما رو چند برابر می‌کنه، ممکنه ضررهای ما رو هم چند برابر کنه. اگه بازار به ضرر ما حرکت کنه، ضررها مون می‌تونه خیلی بیشتر بشه و حتی ممکنه تمام پولی که به عنوان ضمانت گذاشتیم رو از دست بدیم.

می‌دونید چی می‌خوام بگم؟

استفاده از اهرم‌های خیلی بزرگ می‌تونه خطرناک باشه. کوچک‌ترین تغییرات قیمت می‌تونه باعث بشه کل سرمایه‌مون رو از دست بدیم و بروکر به صورت خودکار پوزیشن معاملاتی ما رو ببنده. حتی اگه پیش‌بینی‌های ما درست باشه و بازار به سمتی بره که فکر می‌کردیم، باز هم نوسانات کوچک و اجتناب‌ناپذیری هست که می‌تونه باعث ضرر بشه.



سشن‌های معاملاتی (Trading Sessions)

همیشه این سوال برای معامله‌گران فارکس پیش می‌آید: "بهترین زمان برای معامله در بازار فارکس کیه؟" جالبه بدونید که بازار فارکس یک بازار ۲۴ ساعته است و ۵ روز هفته فعاله، پس خیلی مهمه که بدونیم چه زمانی برای معامله مناسبه.

خب، بیایید نگاهی به سشن‌های معاملاتی بندازیم. بازار فارکس در سراسر دنیا فعاله و به چهار سشن اصلی تقسیم میشه: **سیدنی (استرالیا)، توکیو (آسیا)، لندن (اروپا)، و نیویورک (آمریکا)**. جالبه، نه؟ هر کدوم از این سشن‌ها زمان‌های مختلفی برای شروع و پایان دارن و تاثیر متفاوتی روی قیمت‌ها می‌ذارن.

وقتی بازارهای مختلف باز یا بسته میشن، ما شاهد تغییرات و نوسانات مهمی در قیمت‌ها هستیم. به خصوص وقتی دو بازار بزرگ مثل نیویورک و لندن با هم هم‌پوشانی دارن، معمولاً پرنوسان‌ترین زمان‌ها رو تجربه می‌کنیم.

برای درک بهتر، به تصویری هم داریم که ساعات کار این سشن‌ها رو به وقت ایران و انگلستان نشون میده. این خیلی به ما کمک می‌کنه تا بتونیم بهترین زمان‌ها برای معامله رو پیدا کنیم و با استراتژی بهتری وارد بازار بشیم.

ساعت	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	00:00	1	2	3	4	5
ساعت	00:00	01:00	02:00	03:00	04:00	05:00	06:00	07:00	08:00	09:00	10:00	11:00	12:00	13:00	14:00	15:00	16:00	17:00	18:00	19:00	20:00	21:00	22:00	23:00
سشن			ش									ب												
اسیاتیک								ش									ب							
آمریکایی	ش	ش	ش	ب															ش	ش	ش	ش	ش	ش
اروپا			ش	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب											
آفریقایی	ب	ب															ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش

اسپرد (Spread) چیست؟

اگر توی دنیای معاملات فارکس هستید، حتما این سوال براتون پیش اومده که اسپرد چیه و چرا اینقدر مهمه؟ خیلی ساده‌ست: اسپرد، فاصله بین قیمت خرید و فروش یک داراییه. توی بازار فارکس، برای هر ارز دو نرخ وجود داره: قیمت پیشنهادی (Bid) و قیمت درخواستی (Ask). قیمت پیشنهادی، قیمتی که شما می‌تونید یک دارایی رو در اون قیمت بفروشید، و قیمت درخواستی، قیمتی که می‌تونید اون دارایی رو بخرید.

نکته:

یادتون باشه همیشه قیمت درخواستی یا Ask Price از قیمت پیشنهادی یا Bid Price بیشتره.



اسپرد، که همون اختلاف بین این دو قیمته، یکی از راه‌هاییه که بروکرها ازش پول در میان. در واقع، بروکر از اختلاف بین قیمت خرید و فروش هر دارایی، سود می‌کنه.

خب، حالا بریم سراغ انواع اسپرد. دو نوع اسپرد داریم: **اسپرد ثابت** که همیشه یکسانه، و **اسپرد شناور** که با توجه به شرایط بازار تغییر می‌کنه. بروکرهایی که اسپرد شناور دارن، نرخ‌هاشون بر اساس عرضه و تقاضای بازار تغییر می‌کنه.



اسپرد یکی از هزینه‌هاییه که باید به بروکر پرداخت کنید؛ پس به نفع شماست که با بروکری همکاری کنید که اسپرد پایینی داره.

itbfx.co

بروکر ITB کمترین میزان اسپرد رو، به خصوص در معاملات طلا، در بین رقیبان خود ارائه می‌کنه.



تا اینجا با اسپرد آشنا شدیم. در ادامه، به شما یاد میدیم که چطور اسپرد محاسبه میشه.





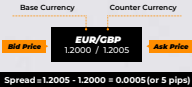
اسپرد چطور محاسبه می شود؟

حالا چطوری اسپرد رو حساب می کنیم؟ خیلی ساده! فقط قیمت پیشنهادی (Bid) رو از قیمت درخواستی (Ask) کم می کنیم.

اسپرد در بازار فارکس معمولاً به واحدی به نام پیپ اندازه گیری می شه. پیپ کوچک ترین واحد تغییر در نرخ برابری ارزهاست. برای بیشتر جفت ارزها، هر پیپ معادل ۰.۰۰۰۱ از نرخ برابریه.



اینجا، قیمت پیشنهادی یا Bid معادل ۱.۲۰۰۰ و قیمت درخواستی یا Ask معادل ۱.۲۰۰۵ هست. برای محاسبه اسپرد، فقط کافیست قیمت ۱.۲۰۰۰ رو از ۱.۲۰۰۵ کم کنیم. نتیجه می شه ۰.۰۰۰۵ یا ۵ پیپ.





کمیسیون (Commission)

فکر کنید مثل هزینه ای که برای استفاده از یک ابزار خاص پرداخت می کنید، بعضی کارگزاری ها که اسپرد (فاصله بین قیمت خرید و فروش) کمی دارند، با دریافت کمیسیون درآمد کسب می کنند.



خیلی ساده
بخواهیم بهتون بگم،
کمیسیون همون کارمزدیه
که بروکرها از معامله گرها
برای هر معامله دریافت می کنند.
این کارمزد یکی از راه هاییه که
بروکرها ازش پول درمیارن.

معمولا کمیسیون به صورت درصدی از حجم معامله محاسبه می شه و ربطی به شرایط بازار نداره. پس وقتی دارید هزینه های معاملاتی تون رو حساب می کنید، فراموش نکنید که کمیسیون رو هم حساب کنید. این به بخش مهم از محاسباته که به شما کمک می کنه بفهمید دقیقا چقدر سود یا ضرر کردید.

itbfx.co



چیزی که بروکر ITB رو از بروکرهاي ديگه متمایز می کنه اینه که این بروکر هیچ هزینه ای تحت عنوان کمیسیون دریافت نمی کنه، که برای معامله گران امتیاز ویژه ای به حساب میاد.

(Swap)

سوآپ
(Swap)

بذارید بایه سوال از شما شروع کنیم:
می‌دونید سوآپ چه موقعی اعمال می‌شه؟
البته اگر نمی‌دونید هم اشکالی نداره!



وقتی یک معامله‌گر پوزیشنی رو باز می‌کنه و اون
رو بیش از یک روز (یعنی از یک روز معاملاتی به روز
بعدی) باز نگه می‌داره باید یه هزینه‌ای به عنوان
سوآپ به بروکر پرداخته. اگه پوزیشن توی همون
روز بسته بشه، هیچ سوآپی اعمال نمی‌شه. سوآپ،
در واقع تفاوت بین نرخ بهره جفت ارزهاست
که توی معاملات فارکس به کار میره.

در واقع، سوآپ یکی دیگه از هزینه‌هاییه
که باید به بروکر پرداخت کنید.

itbfx.co

BRACHIUM
فارکس

اما در مورد بروکر ITB،
می‌تونید درخواست بدید
که حسابتون اسلامی بشه
و در این صورت سوآپی
بهتون تعلق نمی‌گیره.





برای پیدا کردن یک بروکر مطمئن در دنیای پر هیجان فارکس، چند نکته کلیدی هست که می‌تونه به شما خیلی کمک کنه. بیایید باهم یک نگاهی به این نکات بیندازیم:



1- رگوله بودن:

این اولین و مهم‌ترین قدمه. یعنی بروکری که انتخاب می‌کنید باید تحت نظر یک سازمان نظارتی معتبر باشه. این نشون می‌ده که اگه مشکلی پیش بیاد، یک نهاد قانونی هست که می‌تونه به شما کمک کنه.

itbfx.co

بروکر ITB یک بروکر رگوله و معتبره که خدمات با کیفیتی را به شما ارائه میده.



2- معتبر بودن بروکر:

این نکته رو همیشه یادتون باشه که بروکرهای با سابقه و شناخته شده معمولاً خدمات با کیفیت بالاتری ارائه می‌دن. یه نگاهی به اینترنت بندازید، نظرات دیگر معامله‌گران رو بخونید، تو انجمن‌های تخصصی فارکس و شبکه‌های اجتماعی سرچ کنید. بازخوردهای دیگران می‌تونه به شما کمک کنه تا ببینید یک بروکر چقدر قابل اطمینانه.



3- شفافیت:

یک بروکر خوب همیشه شرایط معاملاتی‌اش رو کاملاً شفاف و واضح بیان می‌کنه. دقت کنید که بروکری که انتخاب می‌کنید در مورد اسپردها، کارمزدها، اهرم و قوانینش روشن و صادق باشه. علاوه بر این، دسترسی به یک پلتفرم معاملاتی امن مثل **متاتریدر و حساب‌های دمو و آزمایشی** هم خیلی مهمه تا بتونید استراتژی‌هاتون رو تست کنید.

4- پشتیبانی فوق‌العاده از مشتریان:

دقت کنیم که بروکری که انتخاب می‌کنیم چطور با مشتری‌هایش رفتار می‌کنه. آیا راحت می‌تونید باهاشون تماس بگیرید؟ آیا پاسخگوی سوالات و دغدغه‌های شما هستند؟ یک بروکر با پشتیبانی عالی نشون میده که اهمیت زیادی به مشتریانش میده و می‌تونید بهش اعتماد کنید.

itbfx.co



بروکر ITB با ارائه خدمات پشتیبانی ۲۴ ساعته، به زبان انگلیسی، فارسی، عربی و ... همراه شماست تا در مواجهه با هر گونه مشکلی، در سریع‌ترین زمان ممکن به سوالات شما پاسخ بده.

5- پلتفرم معاملاتی کاربرپسند:

پلتفرمی که استفاده می‌کنید، در واقع همون جاییه که تمام اتفاقات خوب میفته! حتماً چک کنید که پلتفرم راحت و قابل فهم باشه. اگه ابزارهای تحلیلی خوبی داره و اطلاعات لحظه‌ای رو به شما می‌ده، یعنی می‌تونید بهش اعتماد کنید. همچنین، اگه روی دستگاه‌های مختلفی کار می‌کنه، اون وقت می‌تونید هر جا که هستید، معامله کنید. **متاتریدر ۵** یکی از محبوب‌ترین و جدیدترین پلتفرم‌های معاملاتی است که ابزارها و امکانات زیادی رو برای تحلیل بازار ارائه میده.

بروکر ITB با استفاده از
این پلتفرم، سرویس و
امکانات خوبی رو برای
کاربران فراهم می‌کنه.



-6

اسپرد ها و کمسیون ها:

دوست دارید هزینه‌های معاملاتی‌تون کمتر باشه و سودتون بیشتر؟ پس حتماً به اسپرد ها و کمسیون‌هایی که بروکر ارائه میده نگاه کنید. اگه بروکر **اسپرد های پایین و کمسیون های مناسب** داشته باشه، به شما کمک می‌کنه تا با هزینه کمتر، معامله کنید. این موضوع به خصوص برای کسانی که دوست دارند سریع و زیاد معامله کنند (اسکالپر ها) خیلی مهمه.



بروکر ITB روی هیچ حسابی کمسیون
نمیگیره و اسپرد خیلی پایینی داره.

-7

دارایی ها و ابزار های معاملاتی:

یک بروکر خوب یعنی به دنیا از انتخاب‌ها! دنبال بروکری باشید که انواع مختلفی از دارایی‌های معاملاتی مثل جفت‌ارزها، کالاها، شاخص‌ها و رمزارزها رو ارائه بده. همچنین، بروکر خوب ابزارهای مالی مختلفی مثل قراردادهای مشتقات رو هم برای معامله‌گران فراهم می‌کنه. این تنوع به شما کمک می‌کنه تا فرصت‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاری و کسب سود داشته باشید.

itbfx.co

در بروکر ITB می‌توانید انواع
دارایی‌ها را از جمله جفت‌ارزها،
سهام، فلزات، رمزارزها، شاخص‌ها
و غیره معامله کنید و سود کنید.



نکته:



در کل، به یاد داشته باشید که انتخاب یک کارگزار خوب مثل انتخاب یک دوست خوبه؛ باید بتوانید بهش اعتماد کنید و راحت باهاش کار کنید. امیدوارم این توضیحات به شما کمک کنه تا با خیال راحت تری وارد دنیای هیجان‌انگیز معاملات فارکس بشید!

انواع سفارش (Order) برای باز کردن پوزیشن معاملاتی

در بازار فارکس، انواع مختلفی از سفارشات وجود داره که به شما کمک می‌کنه تا بهتر بتونید معاملاتتون رو مدیریت کنید و ریسک رو کاهش بدید. بیایید با هم نگاهی به این انواع سفارشات بندازیم:

1) سفارش بازار (Market Order):

این ساده‌ترین نوع سفارشه. با استفاده از سفارش بازار، شما می‌تونید در قیمت فعلی بازار وارد یا از یک معامله خارج بشید. این نوع سفارش برای زمانی مناسبه که می‌خواید سریع وارد معامله بشید.



برای مثال، تصور کنید دارید توی بازار فارکس قدم می‌زنید و می‌خواهید روی سهام یک شرکت معامله کنید. اگه قیمت پیشنهادی الان ۱۵ دلار و قیمت درخواستیش ۱۶ دلار باشه و شما بخواید پوزیشن Long باز کنید، یعنی دارید از بروکر می‌خواهید که معامله رو همین الان و در بهترین قیمت ممکن (که تو این مثال ۱۶ دلار هست) براتون باز کنه.



البته، به لگنه مهم هست!

گاهی اوقات به خاطر نوسانات لحظه‌ای بازار، ممکنه قیمت واقعی که سفارش با اون اجرا می‌شه، کمی با قیمتی که شما تو سفارشتون مشخص کردید، فرق داشته باشه. برای همین، گاهی بهتره به جای سفارش بازار از سفارش‌های در صف یا پندینگ (Pending) استفاده کنید که به شما این امکان رو می‌ده تا شرایط خاصی رو برای باز و بسته شدن معامله‌تون تعیین کنید. این روش می‌تونه کمی از ریسک‌های ناشی از نوسانات لحظه‌ای بازار رو کاهش بده.

(2) سفارش‌های در صف یا پندینگ (Pending)

(الف)

سفارشات لیمیت (Limit Orders):

پندینگ به معنای «انتظار» است و زمانی که در کنار Order قرار می‌گیره یعنی سفارش خرید یا فروش ختود را در قیمتی از پیش تعیین شده قرار می‌دیم که به آن پندینگ اوردر (Pending order) می‌گن.

این نوع سفارش به شما این امکان رو میده که پوزیشنی رو در قیمتی بهتر از قیمت فعلی بازار باز کنید یا ببندید. برای مثال، اگه فکر می‌کنید قیمت یک

جفت‌ارز به نقطه معینی می‌رسه و بعد تغییر جهت می‌ده، می‌تونید از سفارش‌های لیمیت استفاده کنید.

سفارش حد خرید (Buy Limit):

این نوع سفارش برای خریدیه دارایی به قیمتی پایین تر از قیمت فعلی بازار استفاده می شه. فرض کنید که پیش بینی می کنید قیمت سهام یک شرکت، که الان ۱۵ دلار، تا ۱۰ دلار کاهش پیدا می کنه و بعد بالا میره. شما می تونید یک سفارش حد خرید در قیمت ۱۰ دلار تنظیم کنید. پس اگه قیمت به این نقطه برسه، سفارش شما به صورت اتوماتیک اجرا می شه و خرید شما انجام میشه، حتی اگه به هر دلیلی پای سیستم نباشید. این روش خیلی خوبیه برای وارد شدن به معامله در قیمتی که فکر می کنید ارزشش رو داره.



این نوع سفارش خیلی کاربردی، به خصوص وقتی فکر می کنید قیمتیه دارایی در کوتاه مدت پایین میاد ولی در بلندمدت افزایش پیدا می کنه، با استفاده از سفارش حد خرید، می تونید از فرصت هایی که بازار به شما می ده استفاده کنید و با قیمت مناسب تری وارد معامله بشید. از طرف دیگه، اگر به هر دلیل پای بازار نباشید، به صورت اتوماتیک سفارشتون فعال میشه و خریدتون انجام میشه.

Buy Limit



سفارش حد فروش (Sell Limit)

این نوع سفارش برای فروش یک دارایی به قیمتی بالاتر از قیمت فعلی بازار استفاده می‌شود. فرض کنید که شما فکر می‌کنید قیمت سهام شرکت، که الان ۱۵ دلار، به ۲۰ دلار می‌رسد و بعد از اون یک ریزش رو تجربه می‌کنه. شما می‌تونید یک سفارش حد فروش در قیمت ۲۰ دلار تنظیم کنید. پس اگه قیمت به این نقطه برسه، سفارش شما به صورت اتوماتیک اجرا می‌شه و بروکر به صورت خودکار یک پوزیشن Short برای شما باز می‌کنه یا داراییتون رو می‌فروشه.

این نوع سفارش عالیست؛ خصوصاً برای مواقعی که شما فکر می‌کنید قیمت یک دارایی به نقطه خاصی می‌رسد و بعد از اون نقطه شروع به کاهش می‌کنه. با استفاده از سفارش حد فروش، شما می‌تونید از فرصت‌هایی که بازار به شما میده استفاده کنید و با قیمت مناسب‌تری وارد معامله بشید.

Sell Limit



(ب) سفارش‌های استاپ (Stop Orders):

منظورمون از سفارش‌های استاپ اینه که برای خرید دارایی مورد نظرمون سفارشی را در قیمت بالاتر و برای فروش آن، سفارشی را در قیمت پایین‌تر قرار بدیم. سفارش‌های استاپ، مثل سفارش‌های حد، به دو نوع سفارش **توقف خرید و توقف فروش** تقسیم‌بندی میشن که در ادامه بیشتر توضیح میدیم:

سفارش توقف خرید (Buy Stop):

به زبان ساده، در این مواقع به بروکر سفارش می‌دهیم که وقتی قیمت به سطح مورد نظر ما و بالاتر از قیمت کنونی بازار رسید، برای اون دارایی پوزیشن Long باز کنه یا آن را خریداری کنه.

مثال:



فرض کنید قیمت فعلی سهام شرکت تقریباً ۱۵ دلار و شما تحلیل کردید که تنها اگر ناحیه ۲۰ دلار رو بشکنه، احتمالاً افزایش بیشتری پیدا می‌کنه. پس، شما یک سفارش توقف خرید در ۲۱ دلار ثبت می‌کنید. اگر قیمت به این نقطه برسه، بروکر به صورت اتوماتیک پوزیشن Long یا خرید شما رو باز می‌کنه، و شما در روند صعودی جدیدی وارد معامله می‌شید.

حالا بریم سراغ سفارش توقف فروش:

Buy Stop



سفارش توقف فروش (Sell Stop):

این دقیقاً برعکس مورد بالاست؛ ما وقتی از این سفارش استفاده می‌کنیم که پیش‌بینی می‌کنیم تنها اگر قیمت ناحیه حمایتی پیش‌رو رو به پایین بشکنه، قیمت ریزش می‌کنه، پس به بروکر سفارش می‌کنیم که بعد از شکستن ناحیه حمایتی، برای دارایی مورد نظر ما پوزیشن Short باز کند یا آن را بفروشد.

مثلاً فرض کنید قیمت فعلی سهام شرکت تقریباً ۱۵ دلار و شما تصور می‌کنید اگر قیمت ناحیه ۱۵ دلار رو به پایین بشکند، احتمالاً بیشتر کاهش پیدا می‌کند. در این صورت، یک سفارش توقف فروش در ۹ دلار ثبت می‌کنید. اگر قیمت به این نقطه برسد، بروکر پوزیشن Short شما رو باز می‌کند، و شما در روند نزولی جدیدی وارد معامله می‌شید.

Sell Stop



نکته:

این نوع سفارشات به شما کمک می‌کنند که در قیمت‌های استراتژیکی که خودتون مشخص کردید، به معاملات وارد یا از آن خارج بشید. به این ترتیب، شما می‌تونید با برنامه‌ریزی و دید بلندمدت، استفاده بهینه‌ای از فرصت‌های بازار داشته باشید.



itbfx.co

بروکر ITB از پلتفرم معاملاتی متاتریدر ۵ استفاده می‌کند که امکان معامله با همه سفارشات بالا امکان پذیر است.



اگر انواع سفارشات ذکر شده برای شما

پیچیده است، می‌توانید در حساب دمو، بدون



سفارشات حد ضرر (Stop-loss Orders)

سفارشات حد ضرر همیشه حس تور و گلاهِ ایمنی به ما می‌دهد؛ حالا می‌گم چرا! این سفارشات به شما این امکان رو می‌ده که وقتی قیمت به به سطحی که قبلاً مشخص کردین رسید، **خودکار** از معامله خارج بشید و از ضرر بیشتر جلوگیری کنید. در واقع، حد ضرر (یا همون Stop-loss order) برای کنترل ضرر هاتون در معامله استفاده میشه. شما می‌تونید حد ضرر رو روی به ناحیه قیمتی تنظیم کنید.

برای مدیریت ریسک، استفاده از حد ضرر خیلی مهمه چرا که از تصمیم‌گیری عجولانه و احساسی جلوگیری می‌کنه. ببینین، وقتی دارین توی به معامله ضرر می‌کنین، خیلی سخته که خونسرد بمونید و منطقی فکر کنید. اکثر آدم‌ها وقتی ضرر می‌کنند، به چرخش بازار امیدوارند و چون نمی‌تونند ضرر رو قبول کنند، معامله‌شون رو نمی‌بندند؛ این باعث می‌شه ضرر بیشتری کنند.

مثلاً، به معامله‌گر رو در نظر بگیرید که ۱۰۰ سهم رو به قیمت ۱۰۰ دلار برای هر سهم می‌خره و به حد ضرر رو روی ۹۵ دلار تنظیم می‌کنه. اگه قیمت ناگهان به ۹۵ دلار یا کمتر برسه، حد ضرر خودکار معامله رو با ضرر کلی ۵۰۰ دلار (۱۰۰ تا ۵ دلار) می‌بنده. اگه حد ضرر تنظیم نشه و قیمت بازار سقوط کنه، معامله‌گر ضرر بیشتری می‌کنه و ممکنه موجودی حسابش رو به خطر بندازه.



در نهایت، حد ضرر نه تنها سبب خرید معامله‌گر رو در برابر نوسانات بازار محافظت می‌کنه، بلکه از تصمیم‌گیری‌های احساسی هم جلوگیری می‌کنه.

سفارش‌شات حد سود (Take-profit Orders)

سفارش حد سود به روش دیگه برای مدیریت ریسکه که جلوی تصمیمات هیجانی و احساسی رو می‌گیره. وقتی داریم توی یک معامله سود می‌کنیم، گاهی اوقات وسوسه می‌شیم که به امید سود بیشتر پوزیشنمون رو نبندیم؛ اما این فکر احساسی و غیر عقلانیه. وقتی سفارش حد سود رو اعمال می‌کنیم، اگه قیمت به یه سطح مشخصی از سود برسه، پوزیشن خود به خود بسته میشه و ما سودمون رو دریافت می‌کنیم.

بدون سفارش حد سود، دو مشکل پیش میاد. اگه پوزیشن سودآور باشه، ممکنه به امید سود بیشتر از معامله خارج نشیم؛ اما ممکنه بازار طبق پیش بینی ما پیش نره و نه تنها سودمون کم بشه، بلکه حتی ممکنه به ضرر تبدیل بشه. گاهی اوقات هم ممکنه از ترس از دست دادن سود، خیلی زود از معامله خارج شیم و در نتیجه کمتر سود کنیم.

ترس و طمع توی معامله گری طبیعیه، مادامی که باعث تصمیمات احساسی و غیر منطقی نشه. به عبارت دیگه، سفارش حد سود به معامله گران کمک می کنه که به برنامه های معاملاتی شون وفادار بمونند.

مثلاً، یک معامله گر حرفه ای رو در نظر بگیرین که توی یه سهم با قیمت ۸۰ دلار، پوزیشن Short می گیره و حد سودش رو روی ۶۵ دلار قرار میده. اگه قیمت به ۶۵ دلار یا کمتر برسه، معامله با سود ۱۵ دلار برای هر سهم، خود به خود بسته می شه. اگه حد سود رو روی ۶۵ دلار تنظیم نمی کردیم و قیمت بازار به ۶۵ دلار یا کمتر می رسید و دوباره بالا می رفت، نه تنها سود احتمالی رو از دست می دادیم، بلکه ممکن بود ضرر هم بکنیم.



عرضه و تقاضا

(Supply and Demand)

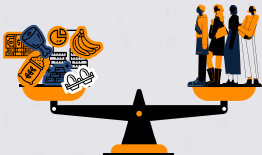
عرضه و تقاضا یکی از مهم‌ترین مفاهیم پایه در تحلیل بازارهای مالی. در بازارهای مالی، در مقابل هر خریداری به فروشنده‌ست و برعکس. تقاضا در واقع تمایل معامله‌گران برای خرید یک دارایی خاص رو نشون میده. در مقابل، عرضه تمایل معامله‌گران برای فروش یک دارایی خاص رو نشون میده. وقتی تقاضا برای یک دارایی خاص زیاد میشه یعنی فشار خرید زیاده؛ وقتی فشار خرید زیاد بشه چه اتفاقی میفته؟ توی زندگی عادی چطوری؟ آفرین! هر چی تمایل برای خرید بالاتر باشه قیمت اون دارایی هم افزایش پیدا می‌کنه.

از طرف دیگه، وقتی **عرضه** زیاد باشه، یعنی تعداد معامله‌گرانی که قصد فروش دارن از خریداران بیشتره. پس یعنی **فشار فروش زیاده** و در نتیجه **قیمت** اون دارایی در حال **کاهش**ه.

فاعدتا، اگر قیمت با فشار خرید و فروش بالا و پایین بره، وقتی این دو نیرو به یک اندازه قوی باشن، قیمت در به بازه مشخصی حرکت میکنه و اصطلاحاً رنج میزنه. در واقع، تمام حرکات بازار به همین نیروهای عرضه و تقاضا بستگی داره. ما برای اینکه پوزیشن مناسبی باز کنیم، باید بدونیم تو هر نقطه قیمتی شرایط بین عرضه و تقاضا چطوریه. برای تشخیص این مسئله میتونیم از نواحی حمایت و مقاومت کمک بگیریم.

عرضه

تقاضا



نواحی حمایت (Support) و مقاومت (Resistance)

در دنیای معاملات مالی، شناسایی نواحی حمایت و مقاومت از اهمیت بسزایی برخورداره. این نواحی، نقاط کلیدی روی نمودار قیمت هستن که می‌تونن به ما کمک کنن تا وضعیت بین نیروهای عرضه و تقاضا را به خوبی بفهمیم و فرصت‌های معاملاتی بهتری رو شناسایی کنیم.





بیا بید با هم به نحوه استفاده از این نواحی و ترکیب اون ها با الگوهای کندل استیک و اندیکاتورهای تکنیکال نگاهی بیندازیم:

نواحی حمایت و مقاومت چی هستند؟

ناحیه مقاومت:

این ناحیه برعکس حمایته و سطحیه که در آن عرضه به اندازه ای قویه که از افزایش بیشتر قیمت جلوگیری می کنه. یعنی وقتی قیمت به این سطح می رسه، فروشندگان وارد می شن و از رشد بیشتر قیمت جلوگیری می کنن.

ناحیه حمایت:

این ناحیه سطحیه که در آن تقاضا به اندازه ای قویه که می تونه از کاهش بیشتر قیمت جلوگیری کنه. به عبارت دیگه، وقتی قیمت به این ناحیه می رسه، معمولاً خریداران وارد عمل می شن و از کاهش بیشتر قیمت جلوگیری می کنن.



نکات مهم در مورد حمایت و مقاومت

همیشه یادتون باشه که پایین‌تر از قیمت به دنبال **سطوح حمایتی** و بالاتر از قیمت به دنبال **سطوح مقاومتی** می‌گردیم. 

یادتون باشه که ناحیه حمایت و مقاومت فقط یک خط یا اول قیمتی نیست، بلکه این نواحی رو به صورت **محدوده قیمتی** در نظر میگیرن.

هر چه که تعداد دفعات برخورد به یک سطح **حمایتی یا مقاومتی** بیشتر باشه، اعتبار اون سطح **بالتره**.

نواحی حمایت و مقاومت در **تایم فریم‌های بالاتر** اعتبار **بیشتری** دارند.

سقف‌ها و کف‌های قبلی قیمت از نواحی مهم حمایت و مقاومت به حساب میان.



اگر قیمت چند بار به به سطح قیمت برخورد کرده و **نتوانسته** اون سطح رو به راحتی **پشکنه**، یعنی اون ناحیه حمایت یا مقاومت خیلی **قویه**. از طرف دیگه، اگر قیمت به به سطح حمایت یا مقاومت برخورد کنه و **واکنش زیادی** از خودش نشون بده (ترش فاصله زیادی بگیره)، اون سطح اعتبار زیادی داره.



روند (Trend) چیست؟



روند صعودی
(Bullish) (Trend)

فکر کنید شما دارید نمودار قیمت یک دارایی رو نگاه می‌کنید که به‌طور مداوم بالا و بالاتر میره.

روند صعودی وقتی شکل می‌گیره که قیمت‌ها در طول زمان افزایش پیدا کنن و سقف‌ها و کف‌های بالاتری (Higher Lows و Higher Highs) رو تشکیل بدن.

این یعنی هر بار قیمت یک حرکت صعودی قابل‌توجه انجام بده و به یک سقف جدید و بالاتر برسه و بعدش یک اصلاح نزولی رو تجربه کنه و یک کف بالاتر تشکیل بده.



روند نزولی (Bearish Trend)

حالا فرض کنید نمودار قیمت یک دارایی رو می بینید
که دایره به طور مداوم پایین میاد.

روند نزولی زمانی رخ میده که قیمت ها در طول زمان
گاهش پیدا کنن و گف ها و سقف های پایین تری
(Lower lows و Lower Highs) رو تشکیل بدن.

این یعنی هر بار قیمت یک حرکت نزولی قابل توجه انجام بده
و به یک گف جدید و پایین تر برسه و بعدش یک اصلاح
صعودی رو تجربه کنه و دوباره یک سقف پایین تر تشکیل بده.

روند خنثی یا رنج (Sideways Trend)

گاهی اوقات، قیمت یک دارایی توی محدوده
خاصی نوسان می کنه و به طور مشخصی
به سمت بالا یا پایین حرکت نمی کنه.

این نوع روند، که بهش روند خنثی یا رنج هم گفته می شه،
نشان می ده که در اون دوره زمانی خاص، قیمت در حال
نوسان بین سطوح مشخصی از حمایت و مقاومته.

درک روندها برای به معامله گر خیلی مهمه، چون بهش کمک
می کنه تا بتونه پیش بینی های دقیق تری از حرکت قیمت ها
داشته باشه و تصمیمات بهتری برای خرید و فروش بگیره.





خطوط روند (Trendlines)

استفاده از **خطوط روند** یکی از ساده‌ترین و در عین حال موثرترین روش‌ها برای تشخیص جهت روندها در تحلیل بازارهای مالی است. بیایید به زبون ساده‌تری این مفهوم رو توضیح بدیم: تصور کنید شما دارید نمودار قیمت یک دارایی رو نگاه می‌کنید و می‌خواید بفهمید که آیا قیمت‌ها دارن بالا می‌رن یا پایین! اینجا هست که خطوط روند به کمک شما میان:



1) برای تشخیص روند صعودی:

باید به دنبال سقف‌های قیمتی بالاتر باشید که در طول یک روند ایجاد شدن و نشون میدن که بازار توی یک روند صعودیه.



برای کشیدن خط روند باید کف‌های اصلی قیمت (کف‌های بالاتر یا Higher Lows) رو به هم وصل کنید.



اگر این خط به سمت بالا متمایل باشه، نشون‌دهنده روند صعودیه؛ مثل یک شیب تپه که به سمت بالا میره.



18⁹⁹

برای تشخیص روند نزولی:

(2)

بایسد به دنبال کف‌های قیمتی پایین‌تر باشید که در طول یک روند ایجاد شدن و نشون میدن جهت بازار نزولیه.



برای کشیدن خط روند باید **سقف‌های اصلی قیمت (سقف‌های پایین‌تر یا Lower Highs)** رو به هم وصل کنید.



اگر این خط به سمت پایین متمایل باشه، یعنی بازار در یک روند نزولیه. مثل یک شیب تپه که به سمت پایین میره.



نکته:

خطوط روند فقط یک ابزار هستن و همیشه به تنهایی قابل اعتماد نیستن. بهتره که همیشه از ابزارهای دیگه تحلیل تکنیکال هم کمک بگیرید تا تصویر کامل‌تری از وضعیت بازار داشته باشید.





میانگین متحرک (Moving Average) چیست؟

میانگین متحرک یا Moving Average یکی از ابزارهای پرکاربرد در تحلیل تکنیکاله که به معامله‌گران کمک می‌کند تا روند کلی بازار رو بفهمند و نقاط ورود و خروج احتمالی رو پیدا کنند. بیایید به نگاه دقیق‌تر به این اندیکاتور بپردازیم:



نحوه کار اندیکاتور میانگین متحرک

میانگین متحرک با محاسبه میانگین قیمت‌های بسته شدن یک دارایی در یک دوره زمانی مشخص (مثلاً ۲۰، ۵۰، ۱۰۰ یا ۲۰۰) تشکیل می‌شود.



این اندیکاتور به صورت یک خط روی نمودار قیمتی نمایش داده می‌شود و می‌تونه نوسانات و نویزهای قیمتی رو حذف کنه تا روند کلی بازار روشن‌تر بشه.





انواع میانگین متحرک:



میانگین
متحرک نمایی
(**EMA**)



میانگین
متحرک ساده
(**SMA**)

این نوع به
قیمت‌های اخیر
وزن بیشتری
میده، پس سریع‌تر
به تغییرات
قیمت واکنش
نشان میدهد.

این نوع با
میانگین گرفتن
قیمت‌های
بسته شدن بازار
در یک دوره
زمانی مشخص
محاسبه می‌شود.

خط‌سور از میانگین متحرک استفاده کنیم؟

این اندیکاتور به شما کمک میکند که جهت بازار رو شناسایی کنید. مثلاً اگر قیمت‌ها بالای خط **MA** باشند و جهت **MA** هم رو به بالا باشد، نشان‌دهنده وجود یک **روند صعودی** و اگر پایین‌تر از خط **MA** باشند و خود **MA** هم رو به پایین باشد، نشان‌دهنده وجود یک **روند نزولی**.

از طرف دیگر، می‌توانید از میانگین متحرک به عنوان خط حمایت یا مقاومت استفاده کنید. اگر قیمت از بالا به اندیکاتور برخورد کند، یعنی این ناحیه حمایتی است، و اگر از پایین بهش برخورد کند، به عنوان ناحیه مقاومتی در نظر گرفته می‌شود.

میانگین متحرک ۲۰۰ روزه

روند
نزولی

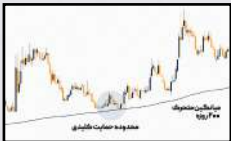
روند
صعودی



میانگین متحرک در بازار طلا:

مثلاً اگر شما به دنبال شناسایی روند بلند مدت در بازار طلا هستید، می‌توانید از **میانگین متحرک ۲۰۰ روزه** استفاده کنید. میانگین متحرک ۲۰۰ روزه با میانگین گرفتن قیمت بسته شدن در ۲۰۰ روز گذشته به وجود می‌آید و جهت کلی بازار رو به ما نشان می‌دهد.

همون‌طور که می‌بینید، قیمت بالای این میانگین متحرک و جهت MA هم رو به بالاس. پس طلا در یک روند صعودی قرار داره و یا برخورد به میانگین متحرک از بالا، می‌بینیم که از حمایت شده و یک روند صعودی رو شکل داده.



نکته:



یادتون باشه، همیشه بهتره که از میانگین متحرک به همراه سایر ابزارهای تحلیل تکنیکال استفاده کنید تا دید کامل تری از بازار داشته باشید.



اندیکاتور RSI

اندیکاتور RSI (شاخص قدرت نسبی) یکی از ابزارهای محبوب در تحلیل تکنیکاله که به معامله گران کمک می‌کنه تا بهتر بتونن قدرت و جهت روند بازار رو درک کنن. این اندیکاتور، که در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ نوسان می‌کنه، عمدتاً برای شناسایی شرایط اشباع خرید یا فروش و اندازه‌گیری قدرت روندهای بازار استفاده می‌شه. بیایید این موضوع رو به زبان ساده‌تری توضیح بدم:



قدرت روند:

زمانی که RSI بالای ۵۰ حرکت می‌کنه، نشون میده که روند کلی بازار صعودیه.

اگر RSI به زیر ۵۰ برسه، نشون میده که روند کلی بازار نزولیه.

TRADER soon (C)

Available?

A FEW KNOW THAT BILLS THEY OWN
BURNED FOR FREEDOM RATHER THAN
EXCHANGING THEIR FREEDOM FOR MONEY

اشباع خرید

(Overbought)

وفروش (Oversold):

اشباع خرید

نزدیکی یا بالای ۷۰ برسه. این می تونه نشونه ای

باشه که احتمالا قیمت اون دارایی خاص بیشتر از

ارزش ذاتی برآورد شده و توی یک حبابه. در

این مواقع احتمالا قیمت به یک اصلاح نیاز داره.

70 ↗



اشباع فروش

نزدیکی یا زیر ۳۰ برسه. این می تونه نشونه ای باشه

که احتمالا اون دارایی کمتر از ارزش ذاتی اصلیش

قیمت گذاری شده و احتمالا به یک اصلاح نیاز داره.

30 ↘



نکته:



فقط یک ابزاره و همیشه نباید به تنهایی به اون اتکا کرد. استفاده از RSI به همراه سایر ابزارها و تکنیک‌های تحلیلی می‌تونه به شما کمک کنه تا تصمیم‌های بهتری در معاملاتتون بگیرید.

واگرایی‌ها :(Divergence)



واگرایی
نزولی



واگرایی
صعودی

این نوع واگرایی زمانی اتفاق می‌افتد
که قیمت دارایی **گف‌های پایین‌تری**
رو تشکیل می‌دهد، اما **ISR گف‌های**
بالا‌تری رو نشون می‌ده.



این می‌تونه نشونه‌ای باشه که فروشندگان
دارن قدرت خودشون رو از دست میدن و
ممکنه بازار به زودی جهتش
تغییر کنه و **وارد یک**
روند صعودی بشه.

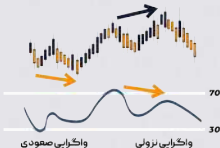
واگرایی
صعودی

واگرایی
نزولی

در
این حالت، قیمت دارایی
سقف‌های بالا‌تری رو تشکیل
میده، اما **ISR سقف‌های پایین‌تری** رو
نشون میده.



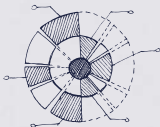
این
می‌تونه نشونه‌ای باشه که
خریداران دارن قدرت خودشون رو از
دست میدن و ممکنه بازار به زودی جهتش
تغییر کنه و **وارد یک روند نزولی بشه.**



نکته:



خیلی مهمه که بدونیم واگرایی‌ها فقط سیگنال هستن و همیشه نمی‌شه ۱۰۰٪ بهشون اعتماد کرد. بهتره که همیشه از واگرایی‌ها به همراه سایر ابزارها و تکنیک‌های تحلیلی استفاده کنیم تا اطمینان بیشتری به تصمیمات معاملاتی‌مون داشته باشیم.





اندیکاتور فیبوناچی اصلاحی (Fibonacci Retracement)

فیبوناچی اصلاحی در بازارهای مالی واقعاً جذاب است! این ابزار تحلیل تکنیکال، بر پایه دنباله عددی فیبوناچی که در ریاضیات معروفه، ساخته شده. بیایید کمی بیشتر در مورد این ابزار جالب بدونیم:

کاربرد در بازارهای مالی:

در تحلیل تکنیکال، فیبوناچی اصلاحی به معامله‌گران کمک می‌کند تا نقاط کلیدی حمایت و مقاومت رو در فازهای اصلاحی قیمت پیدا کنند. این نقاط کلیدی معمولاً بر اساس نسبت‌های خاصی از دنباله فیبوناچی مثل ۳۸.۲٪، ۵۰٪ و ۶۱.۸٪ محاسبه می‌شن.

دنباله فیبوناچی:

این دنباله با ۱ و ۱ شروع میشه و هر عدد جدید، حاصل جمع دو عدد قبلیه. پس دنباله می‌شه: ۱، ۱، ۲، ۳، ۵، ۸، ۱۳، ۲۱، و غیره.



استفاده از فیوناچی اصلاحی:

معامله‌گران این نسبت‌ها را برای تعیین مناطقی که احتمال دارد حرکت اصلاحی قیمت در آن‌ها به پایان برسه (یعنی از روند اصلاحی به روند اصلی برگرده)، استفاده می‌کنن. به این ترتیب، اون‌ها می‌تونن تصمیمات بهتری برای ورود یا خروج از معاملات بگیرن.

نسبت‌های فیوناچی:

فراتر از دنباله اعداد، نسبت‌های فیوناچی (مثل نسبت طلایی 1.618%) در طبیعت، هنر، معماری و بسیاری زمینه‌های دیگر هم دیده می‌شن، که نشون‌دهنده اهمیت و تأثیر این نسبت‌ها در جهان هستن.

در روندهای صعودی

وقتی که قیمت حرکت صعودی شدیدی رو تجربه کنه، انتظار میره که بخشی از این حرکت در ناحیه‌های فیوناچی اصلاحی اتفاق شه. این ناحیه‌ها، مثل 38.2% و 50% و 61.8% نقاط حمایتی مهمی رو تشکیل می‌دن که در آن‌ها ممکنه حرکت اصلاحی متوقف شه و روند صعودی دوباره از سر گرفته بشه.

در روندهای نزولی

به همین ترتیب، در یک روند نزولی، این مناطق فیوناچی به عنوان نواحی مقاومت عمل می‌کنن و می‌تونن نقاطی باشن که روند نزولی دوباره از سر گرفته می‌شه.



نکته:



خیلی مهمه که معامله‌گران فقط به فیبوناچی اصلاحی تکیه نکنند. استفاده از الگوهای نموداری و کندل استیک به همراه فیبوناچی می‌تونه به شناسایی دقیق‌تر جهت حرکت قیمت و فرصت‌های معاملاتی کمک کنه.

تعریف الگوهای تکنیکال

معامله‌گران با استفاده از الگوهای نموداری و کندل استیک حرکت قیمت رو پیش‌بینی میکنند. نمودارها و الگوهای شمعی چگونگی رفتار و حرکت قیمت رو به ما نشون میدن. معامله‌گران با شناخت این الگوها، می‌تونند حرکت‌های آینده قیمت رو پیش‌بینی و فرصت‌های معاملاتی رو شناسایی کنن.

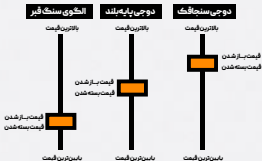


الگوهای کندل استیک

الگوهای کندل استیک یکی از جذاب‌ترین و مهم‌ترین ابزارها در تحلیل تکنیکال هستند. هر کندل استیک تصویری از **تاریخچه حرکت قیمت** در یک دوره زمانی مشخص رو به ما نشون می‌ده و معامله‌گران با تشخیص و تحلیل این الگوها، حرکت‌های آتی قیمت رو پیش‌بینی و فرصت‌های معاملاتی بالقوه رو شناسایی می‌کنند. در ادامه می‌خوایم با چند نمونه از الگوهای کندل استیک آشنا بشویم. اول از همه با **الگوی دوجی (Doji)** شروع می‌کنیم:

دوجی (Doji):

وقتی قیمت‌های شروع و پایانی یک دوره زمانی، یکسان یا بسیار نزدیک به هم هستند، دوجی شکل می‌گیرد. این الگو نشان‌دهنده تعادل و تردید بین خریداران و فروشندگان و می‌تونه نشانه‌ای از **تغییر احتمالی جهت بازار** باشه.



دوجی پایه بلند (Long-legged Doji):

این نوع دوجی با سایه‌های بلند (یعنی با فاصله بیشتر بین قیمت‌های بالا و پایین) نشون میده که در طول زمان مشخصی، تلاطم قیمت زیاد بوده اما بازار در نهایت در نقطه تعادل به پایان رسیده است.

دوجی سنگ قبر (Gravestone Doji):

این الگو وقتی شکل می‌گیره که قیمت باز شدن و بسته شدن تقریباً در پایین‌ترین نقطه کندل باشه و یک سایه بلند در بالای کندل استیک وجود داشته باشه. این نشون دهنده اینه که خریداران حرکت قیمت رو به بالا کشیدن، اما در نهایت فروشندگان کنترل رو به دست گرفتند و قیمت رو به پایین کشیدند.

دوجی سنجاقک :(Dragonfly Doji)

برعکس دوجی سنگ قبر، دوجی سنجاقک وقتی اتفاق میفته که قیمت باز شدن و بسته شدن تقریباً در بالاترین نقطه کندل باشه و یک سایه بلند در پایین کندل استیک وجود داشته باشه. این الگو نشون دهنده اینه که فروشندگان قیمت رو به پایین کشیدن اما در نهایت خریداران کنترل رو به دست گرفتند و باعث افزایش قیمت شدند.

نکته:



با تحلیل این الگوها، معامله‌گران می‌تونن نشانه‌هایی از تغییر جهت بازار و فرصت‌های معاملاتی احتمالی رو تشخیص بدن. البته مهمه که همیشه در نظر داشته باشید که استفاده از الگوهای کندل استیک به تنهایی کافی نیست و بهتره که در کنار سایر ابزارهای تحلیل تکنیکال و بازار مورد استفاده قرار بگیره.



Wide-ranging Bar

Wide-ranging Bar یکی از اون الگوهای کندلیه که می‌تونه نشون دهنده حرکت قدرتمند و معناداری در بازار باشه. در اینجا، چند نکته کلیدی در مورد این الگوها رو بررسی می‌کنیم.



اندازه بزرگ
بدنه:

1

این کندل بدنه بلندی داره که فاصله زیاد بین قیمت شروع و پایانی در طول یک دوره زمانی خاص (مثل یک ساعت، یک روز و غیره) رو نشون میده و به ما می‌گه که در اون دوره، یک طرف (خریداران یا فروشندگان) بر بازار تسلط داشته‌اند.





سایه‌های کوتاه:

(2)

وجود سایه‌های کوتاه یعنی اینکه حرکت اصلی قیمت به سمت بدنه کندل بوده و **بیشترین تغییر قیمت** در اون جهت اتفاق افتاده است.



نشانه‌ای از تغییر روند:

(3)

اگر این الگو بعد از یک دوره نوسانات محدود یا در انتهای یک روند طولانی تشکیل بشه، می‌تونه نشان‌دهنده **شروع یک روند جدید** یا تغییر جهت بازار باشه.



تسلط یک طرفه بازار:

(4)

اگر کندل استیک **Wide-ranging Bar** صعودی باشه (بدنه‌ای که از قیمت پایین‌تر شروع و در قیمت بالاتر بسته شده باشه)، یعنی **خریداران بر بازار تسلط دارند**. در مقابل، اگر این کندل استیک **نزولی** باشه (بدنه‌ای که از قیمت بالاتر شروع و در قیمت پایین‌تر بسته شده باشه)، نشان میده که **فروشنده‌گان در کنترل هستند**.





چکش (Hammer)

الگوی کندل استیک چکش (Hammer) یکی از الگوهای محبوب و قدرتمند در تحلیل تکنیکاله که معمولاً در پایان روند نزولی ظاهر می‌شود و می‌تونه نشانه‌ای از برگشت احتمالی روند باشه. اینجا چند ویژگی کلیدی از الگوی چکش رو با هم بررسی می‌کنیم.

قیمت بسته شدن

قیمت باز شدن

Hammer Candlestick

سایه

1) بدنه کوچک و سایه بلند:

الگوی چکش معمولاً یک بدنه کوچک در بالا و یک سایه بلند در پایین داره. این سایه بلند نشون دهنده فشار فروش قوی در ابتدای دوره است که با فشار خرید قوی‌تر مواجه شده و قیمت‌ها را به نقطه اولیه برگردانده است.



(2) نشانه‌ای از تغییر ممکن در روند:

ظاهر شدن این الگو در پایان یک روند نزولی می‌تونه نشانه‌ای از تغییر احتمالی جهت بازار باشه. به خصوص اگر این الگو همراه با حجم بالای معاملات باشه، احتمال برگشت روند بیشتر می‌شه.



(3) احتیاط در تفسیر الگو:

برای اطمینان بیشتر، بهتره که منتظر تایید این الگو در کندل‌های بعدی باشیم. مثلاً اگر بعد از یک چکش، یک کندل یا الگوی صعودی دیگر تشکیل بشه، این می‌تونه نشانه قوی‌تری از برگشت روند باشه.



(4) تشخیص درست الگو:

توجه داشته باشید که برای اینکه یک کندل استیک به عنوان الگوی چکش تلقی بشه، باید در پایان یک روند نزولی ظاهر بشه و سایه پایینی حداقل دو برابر طول بدنه باشه.





مرد به دار آویخته (Hanging Man)

الگوی مرد به دار آویخته (Hanging Man) یکی از الگوهای جذاب و پر اهمیت در تحلیل تکنیکال است. این الگو به معنای نبرد بین خریداران و فروشندگان در بازار است، جایی که فروشندگان برای لحظاتی موفق شدن که برتری خود را نشون بدهند. بیایید نگاهی دقیق‌تر به این الگو بیندازیم:

ویژگی‌های الگوی مرد به دار آویخته:



سایه پایینی بلند:

این سایه نشون میده که فروشندگان برای مدتی قیمت را به پایین کشیدند.

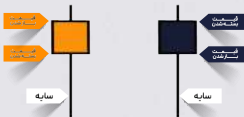
بدنه کوچک:

بدنه کوچک بالایی نشون دهنده‌ی اینه که فروشندگان نتونستن قیمت رو برای مدت زیادی پایین نگه دارند و در نهایت قیمت به نزدیکی نقطه شروع بازگشته است.

موقعیت ظاهری:

معمولاً در انتهای یک روند صعودی دیده میشه.

الگوی مرد به دار آویخته



تفسیر الگوی مرد به دار آویخته:

احتمال تغییر روند:

اگرچه این الگو به تنهایی نمی‌تونه تغییر روند رو تضمین کنه، اما می‌تونه یک هشدار باشد که روند صعودی فعلی ممکنه به زودی تغییر کنه.

نشانه‌های از خستگی بازار:

این الگو نشون‌دهنده اینه که فروشندگان به بازار ورود کردند و خریداران دیگر قدرت و انگیزه‌ی قبلی رو ندارند.





چکش معکوس (Inverted Hammer) و ستاره دنباله دار (Shooting Star)

الگوهای کندل استیک چکش معکوس (Inverted Hammer) و ستاره دنباله دار (Shooting Star) دو الگوی کلیدی در تحلیل تکنیکال هستند که ممکنه **نشون دهنده تغییرات بالقوه در روند بازار** باشند. در اینجا توضیحاتی درباره هر کدام از این الگوها آورديم:

ویژگی‌های چکش وارونه (Inverted Hammer):

شکل ظاهری:

دارای یک بدنه کوچک در پایین و یک سایه بلند در بالا.

موقعیت ظاهری:

معمولاً در انتهای یک روند نزولی دیده میشه.



نشانه‌ها:

این الگو نشون میده که خریداران به بازار ورود کردن و احتمالاً جهت روند معکوس میشه.



تفسیر الگوی چکش وارونه:

نشانه‌ای از برگشت احتمالی:

اگر چکش وارونه بعد از یک روند نزولی دیده شد، یعنی اینکه احتمالاً جهت روند به صعودی تغییر میکنه.

نکات مهم هنگام استفاده از چکش معکوس:



تایید الگو:

همیشه به دنبال تاییدیه‌های دیگر هم باشید، تاییدیه‌هایی مانند افزایش حجم معاملات یا الگوهای تکمیلی دیگر.

ویژگی‌های ستاره دنباله دار (Shooting Star):

شکل ظاهری:

دارای یک بدنه کوچک در پایین و یک سایه بلند در بالا، پس فرقی با الگوی چکش وارونه چیه؟ جوابت در خط بعدیه:

واقعیت ظاهری:

معمولاً در اتمهای یک روند صعودی دیده میشه.

نشانه‌ها:

این الگو نشون میده که **فروشنده‌گان** به بازار ورود کردن و احتمالاً **روند معکوس** میشه.



چکش
معکوس



ستاره
دنباله دار

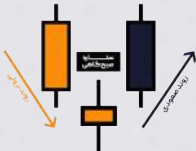
تفسیر الگوی ستاره دنباله دار:

نشانه‌ای از برگشت احتمالی:

اگر ستاره دنباله دار بعد از یک روند صعودی دیده بشه، این نشونه‌ای از تغییر روند به سمت نزولی باشه.

الگوی ستاره صبحگاهی: (Morning Star)

الگوهای کندل استیک ستاره صبحگاهی (Morning Star) و ستاره عصرگاهی (Evening Star) دو الگوی مهم در تحلیل تکنیکال هستند که نشون‌دهنده تغییرات بالقوه در روندهای بازار هستند. در اینجا توضیحاتی درباره هر کدام از این الگوها آوردیم:



تشخیص تغییر روند:



ستاره

صبحگاهی یک الگوی
کندل استیک سه تایی است که
تغییر احتمالی روند از نزولی به صعودی رو
نشان میدهد. این الگو شامل موارد زیر است:

کندل اول:



یک کندل بلند نزولی که نشان دهنده فشار فروش قوی است.

کندل دوم:



یک کندل با بدنه کوچیکه که می تونه هم صعودی و
هم نزولی باشه و تردید و بلاتکلیفی در بازار رو نشان میده.
به این کندل معمولاً کندل دوجی یا پین بار هم میگن.

کندل سوم:



کندل بلند صعودی که نشان دهنده بازگشت خریداران و تغییر
روند احتمالی که معمولاً بالاتر از حد وسط کندل اول بسته میشه.

الگوی ستاره عصرگاهی: (Evening Star)

الگوی ستاره عصرگاهی دقیقاً برعکس
الگوی ستاره صبحگاهی است و نشون
دهنده تغییر احتمالی روند از صعودی
به نزولی. این الگو موارد زیر رو
شامل میشه:

تشخیص
تغییر
روند:



کندل اول:



یک کندل بلند صعودیه که نشون دهنده فشار خرید قویه.

کندل دوم:



یک کندل کوچک، که می‌تونه هم صعودی و هم
نزولی باشه و تردید و بی‌تکلیفی در بازار رو نشون میده.

کندل سوم:



یک کندل بلند نزولی که نشون دهنده بازگشت
فروشنده‌گان و تغییر روند احتمالی به که معمولاً
پایین‌تر از حد وسط کندل اول بسته میشه.





الگوهای نموداری (Chart Patterns)

الگوهای نموداری از نوسانات قیمت در طول یک دوره زمانی خاص ایجاد و برای شناسایی روندهای ممکن در بازار مالی استفاده می‌شوند. بیایید نگاهی به برخی از این الگوهای مهم بیندازیم:

الگوی سقف دو قلو (Double Top Pattern)

تشکیل الگو:

الگوی سقف دو قلو زمانی شکل می‌گیرد که قیمت یک دارایی به سطح مقاومت میرسد، کمی کاهش یافته و دوباره به همان سطح مقاومت برمی‌گردد، اما نمی‌تونه اون رو بشکند. این الگو شبیه به حرف "M" روی نمودار بوجود میاد.





خط گردن:

یک خط افقی که در کف بین دو سقف کشیده می‌شود و به عنوان **سطح حمایت** عمل می‌کند.

تایید الگو:

وقتی قیمت از خط گردن به پایین بشکند، الگو تایید شده و نشون دهنده تغییر روند از صعودی به نزولی.



الگوی کف دو قلو (Double Bottom Pattern)

تشکیل الگو:

الگوی کف دو قلو زمانی شکل می‌گیرد که قیمت به یک **سطح حمایت** میرسد، کمی افزایش یافته و دوباره به همان سطح حمایت برمی‌گردد، اما نمی‌تواند آن رو بشکند. این الگو شبیه به حرف "W" روی نمودار بوجود می‌آید.



خط گردن:

یک خط افقی که در **قله بین دو کف** کشیده می‌شود و به عنوان **سطح مقاومت** عمل می‌کند.

تایید الگو:

وقتی قیمت از خط گردن به بالا بشکند، الگو تایید شده و نشون دهنده تغییر روند از **نزولی به صعودیه**.

استفاده

از این الگوها در معاملات



1) مراقب شکست خط گزیدن باشید:

این نقطه مهمی برای تصمیم‌گیری در
مورد باز کردن پوزیشن‌های معاملاتی است.



2) تعیین اهداف قیمت:

معمولاً ارتفاع الگو (از سطح حمایت /
مقاومت تا سقف / کف) به عنوان
هدف قیمتی در نظر گرفته می‌شود.



3) احتیاط و مدیریت ریسک:

همیشه یادتوان باشه که ممکنه بازار
بر خلاف پیش‌بینی‌ها حرکت کنه.
پس همیشه استراتژی‌های مدیریت
ریسک را در نظر داشته باشید.



الگوی سر و شانه:

(Head and Shoulders)



تشکیل الگو:

الگوی سر و شانه زمانی شکل می‌گیرد که در طول یک روند صعودی، سه سقف تشکیل شود: دو سقف کوتاه‌تر (شانه‌ها) در اطراف یک سقف بلندتر در وسط (سر).

خط گردن:

خط گردن در واقع یک خط رونده که بین کف‌های قیمتی بین دو تا شانه کشیده می‌شود.

تایید الگو:

وقتی قیمت از خط گردن به پایین بشکند، الگو تایید شده و نشون‌دهنده تغییر روند از صعودی به نزولی.

استفاده

از الگوی سرو و شانه در معاملات



1) مراقب شکست خط گردن باشید:

این نقطه کلیدی برای تصمیم‌گیری در مورد باز کردن پوزیشن‌های معاملاتی **Short** است.



2) تعیین هدف قیمت:

معمولاً ارتفاع الگو (از خط گردن تا سر) به عنوان هدف قیمتی در نظر گرفته می‌شود.



3) تفاوت بین الگوها:

الگوی سرو و شانه می‌تونه در جهت مخالف هم شکل بگیره (**سرو و شانه معکوس**) که نشون دهنده تغییر روند از نزولی به صعودی است.





احتیاط و مدیریت ریسک:

(4)

همیشه یاد تون باشه که ممکنه بازار بر
خلاف پیش بینی ها حرکت کنه. به همین
دلیل، از استراتژی های مدیریت ریسک
مانند تعیین حد ضرر استفاده کنید.



الگوی پرچم: (Flag Pattern)

به یک روز بادی فکر کنید که پرچمی
در بادی می رقصه! در بازار، الگوی پرچم
هم شبیه به همین تصویره - **یک دوره**
آرامش بعد از یک حرکت قدرتمند قیمت.

پرچم بیریش



پرچم بولیش





پرچم نزولی:

مثل یک پرچم
که به سمت
بالا برافراشته
شده است.
این بیانگر
اینه که قیمت
ممکنه بعد از
یک حرکت
نزولی قوی
و گاهی
استراحت،
دوباره ریزش
رو تجربه کنه.



پرچم صعودی:

مثل یک پرچم
که به سمت
پایین افتاده
است. این نشون
میده که قیمت
بعد از یک حرکت
صعودی قوی
(میله پرچم) برای
لحظه‌ای استراحت
کرده اما احتمالاً
دوباره روند
صعودیش رو از
سر می‌گیره.

خط‌ور از این الگو استفاده کنیم؟

نگاهی به کانال پرچمی:

اگر قیمت از کانال در جهت حرکت اولیه خارج بشه، نشون
دهنده اینه که احتمالاً قیمت به حرکت خود ادامه میده.

تعیین هدف قیمتی:

فاصله قبل از شکل‌گیری پرچم را در نظر بگیرید و از آن
برای تعیین هدف قیمتی خود استفاده کنید. مثلاً اگر قبل
از پرچم قیمت ۵۰ واحد بالا رفته، انتظار داشته باشید که
بعد از پرچم هم ۵۰ واحد دیگه حرکت کنه.

شرایط بازار را در نظر داشته باشید:

همیشه به سایر عوامل موثر در بازار توجه کنید. بازار پر از سورپرایزه!



هوشمندانه ریسک را مدیریت کنید:

مهم نیست چقدر از الگو مطمئنید، همیشه به فکر مدیریت ریسک باشید.

الگوی **ویج** (Wedge Pattern)



ویج نزولی
Falling)
(Wedge)

الگوی ویج مثل یک
مثلث که یک سرش پهن
و سر دیگرش باریک. این
الگوها را به دو دسته
تقسیم می کنند:



ویج صعودی
Rising)
(Wedge)



وج صعودی

(Rising Wedge)

وقتی قیمت
خط روند
پایینی را
می‌شکند،
فرصتی پیش
میاد که شما
بتوانید به
پوزیشن Short
وارد شوید.

تصور کنید قیمت
در حال بالا رفتن،
اما در یک فضای
باریک‌تر و
محدودتر. این
می‌تونه نشونه‌ای
از این باشه که
قدرت خریداران
داره ضعیف میشه.

وج نزولی

(Falling Wedge)

وقتی قیمت خط
روند بالایی را
می‌شکند،
ممکنه
نشونه‌ای باشه
برای شروع یک
روند صعودی و
فرصتی برای
پوزیشن Long.

اینجا قیمت‌ها
دارند پایین میان،
ولی باز هم در یک
فضای باریک‌تر.
این می‌تونه
نشونه‌ای از این
باشه که فشار
فروش داره
کمرنگ میشه.



الگوهای مثلث: (Triangle Patterns)

در دنیای تحلیل تکنیکال، الگوهای مثلث جزو جذاب‌ترین و کاربردی‌ترین الگوها هستند. اینجوری فکر کنید که مثلث‌هایی که در نمودارها شکل می‌گیرند، هر کدام ماجرای متفاوتی دارند. هر مثلث، یک سبک و جهت خاص خودش رو داره. بیایید به این مثلث‌ها نگاهی بندازیم:

مثلث متقارن

مثلث صعودی

مثلث نزولی



مثلث صعودی: فرصتی برای بالا رفتن

اینجا قیمت‌ها به دیوار مقاومتی برخورد می‌کنند،
اما هر بار کف‌ها بالاتر می‌روند.
این نشونه‌ای از قدرت خریداران است.

زمانی که قیمت خط روند بالایی و سطح
مقاومت را می‌شکند، نشونه‌ای برای
ورود به یک **پوزیشن Long** است.



مثلث نزولی:

فرصتی برای پایین آمدن

در این الگو، قیمت‌ها به کف حمایتی برخورد
می‌کنند، اما هر بار سقف‌ها پایین‌تر می‌آیند.
این نشونه‌ای از **قدرت فروشندگان** است.

وقتی قیمت خط روند پایینی و سطح
حمایت را می‌شکند، زنگ خطری برای
ورود به یک **پوزیشن Short** است.



مثلث متقارن:

نبرد بین خریداران
و فروشندگان

اینجا قیمت در محدوده‌ای باریک نوسان می‌کند،
بدون اینکه جهت مشخصی داشته باشد.

شکست (بریک‌اوت) از این مثلث، نشونه‌ای از جهت جدید بازار و معامله‌گران می‌توانند بر اساس این جهت تصمیم‌گیری کنند.



استراتژی‌های معاملاتی کاربردی

در این قسمت، استراتژی‌هایی رو به شما آموزش می‌دیم که برای هر معامله‌گری، اعم از تازه‌کار و باتجربه، مفیده.

استراتژی کسب سود با استفاده از الگوی wedge و نواحی حمایت / مقاومت



برای شروع معامله‌گری با یک استراتژی کاربردی آماده‌اید؟ در قسمت‌های قبلی با الگوی Wedge آشنا شدیم، در اینجا می‌خوایم در کنار همدیگر این الگو رو در دو استراتژی صعودی و نزولی امتحان کنیم **با ما همراه باشید!**



استراتژی صعودی

مرحله اول: شناسایی سطوح حمایتی

1

برای شروع لازمه که سطوح حمایت اصلی رو مشخص کنید. چرا؟ چون که در این ناحیه رفتار قیمت اطلاعات زیادی در مورد نیروهای عرضه و تقاضا به ما میده. در سطوح حمایتی، تقاضا بیشتر از عرضه ست و در نتیجه، فشار خرید خیلی زیاده.



نکته:

در استراتژی صعودی فقط به دنبال نواحی حمایت هستیم.



نکته:

حواستون باشه که منظورمون از سطوح حمایتی، خط یا قیمت مشخصی نیست؛ یک ناحیه قیمتی مدنظر مونه.





مرحله دوم: بررسی الگوی Wedge

(2)

بعد از اینکه ناحیه حمایتی اصلی
رو مشخص کردید، باید رفتار قیمت
رو زیر نظر بگیرید. اگر در این ناحیه
الگوی Wedge روبه پایین شکل گرفت،
می‌تونید احتمال بدید که روند
نزولی به صعودی تغییر می‌کنه.





مرحله سوم: تعیین نقطه ورود

(3)

خب پس تا الان ناحیه حمایتی اصلی رو مشخص کردید، الگوی Wedge رو شناسایی کردید و حدس می‌زنیم که **روند از نزولی به صعودی تغییر می‌کنه**. اما عجله نکنید! قبل از اینکه وارد بشید باید منتظر سیگنال‌هایی باشید که الگوی شما رو تایید کنه. حالا تاییدیه‌ها چی هستن؟ اگر قیمت **خط روند مقاومتی رو شکوند** و Breakout اتفاق افتاد، باید منتظر پولبک (Pullback) باشید. تا اینجا تمام تاییدیه‌های لازم رو گرفتیم؛ پس، بعد از شکل‌گیری یک کندل قدرتمند صعودی می‌تونید پوزیشن Long بگیرید.

فرق Breakout با Pullback چیه؟



وقتی که قیمت خط روند مقاومتی یا حمایتی الگو رو میشکند، به اون Breakout می‌گیم.



وقتی که Breakout اتفاق می‌وفته، قیمت به اون خط روند مقاومتی یا حمایتی شکسته شده برمی‌گرده که به این رفتار Pullback می‌گیم.





مرحله چهارم: تعیین حد سود و ضرر

(4)

همه مراحل رو توضیح دادیم، اما به این موضوع فکر کنید که شاید بازار بر خلاف پیش بینی و انتظار ما حرکت کنه؛ در این صورت، **چاره چیه؟**



اینجاست که اهمیت مدیریت ریسک به چشم میاد. هدف از مدیریت ریسک اینه که سود خودمون رو به حداکثر



در الگوی Wedge نزولی، سفارش حد ضرر
 رو کمی پایین تر از خط مقاومتی الگوی
 Wedge بذارید. مدیریت ریسک در
 معامله گری دوسویه ست؛ به زیون ساده،
 هدف مدیریت ریسک فقط به حداقل
 رساندن ضرر نیست. شما باید سفارش حد
 سودتون رو در یک فاصله منطقی از نقطه
 ورودتون قرار بدید. منظورمون از فاصله
 منطقی چیه؟ در اینجا باید سفارش حد
 سود رو در نزدیک ترین ناحیه مقاومت
 اصلی (بالا تر از نقطه ورود) قرار بدید چرا
 که در این ناحیه عرضه بر تقاضا غالبه و
 می تونه جلوی روند صعودی رو بگیره.





استراتژی نزولی



مرحله اول: شناسایی نواحی مقاومتی

1

در این استراتژی، اول باید سطوح مقاومت اصلی رو مشخص کنید. چون دقیقاً مثل مورد بالا، در این ناحیه رفتار قیمت اطلاعات زیادی در مورد نیروهای عرضه و تقاضا به ما میدهد. در سطوح مقاومتی، عرضه بیشتر از تقاضاست و در نتیجه، فشار فروش بیشتر از فشار خریده.



نکته:

این نکته رو به یاد داشته باشید که در استراتژی نزولی فقط به دنبال نواحی مقاومت هستیم.



نکته:



حواستون باشه که منظورمون از سطوح مقاومتی، خط یا قیمت مشخصی نیست؛ یک ناحیه قیمتی مدنظر مونه.

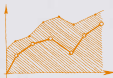




مرحله دوم: بررسی الگوی Wedge

(2)

بعد از تعیین ناحیه مقاومتی اصلی، رفتار قیمت رو زیر نظر بگیرید. اگر در این ناحیه الگوی Wedge روبه بالا رو دیدید، بدونید که احتمالاً روند نزولی به صعودی تغییر میکنه.





مرحله سوم: تعیین نقطه ورود

(3)

پس از تعیین یک ناحیه مقاومتی اصلی و شناسایی الگوی Wedge، منتظر تاییدیه‌های بیشتری بمانید تا بهترین نقطه را برای ورود به پوزیشن انتخاب کنید. طبق چیزی که راجع به Breakout گفتیم، اگر قیمت خط روند پایینی الگو رو بشکند، پیش‌بینی ما رو تا حدی تایید می‌کند. اما اگر قیمت به خط روند شکسته شده پولبک بزنه اعتبار پیش‌بینی ما بیشتر هم میشه. الگوهای مانند ستاره عصرگاهی تا حدی نقطه ورود به معامله رو به ما نشون میدن.



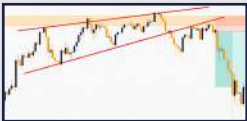


مرحله چهارم: تعیین حد سود و ضرر

(4)

برای مدیریت ریسک پوزیشنی که باز کردیم، باید **سفارش حد سود و ضرر**تون رو در جایی قرار بدید که **حداکثر سود و حداقل ضرر** رو داشته باشید.

سفارش حد ضرر رو کمی **بالتر از خط حمایتی** الگوی Wedge بذارید. همچنین، سفارش حد سود رو در **نزدیکترین ناحیه حمایت اصلی** (پایین‌تر از نقطه ورود) قرار بدید چرا که در این ناحیه **تفاضل عرضه و تقاضا** غالبه و میتونه جلوی ریزش بازار رو بگیره.



استراتژی کسب سود از ترکیب الگوی Head and Shoulders و نواحی حمایت و مقاومت

یکی دیگر از راه‌های تحلیل رفتار بازار،
الگوی نمودار سر و شانه است. ممکنه به
ذره اسمش عجیب به نظر میاد، ولی
بهتون می‌گیم که دلیل این نام‌گذاری
چیه و چطور باید باهاش کار کنیم.



استراتژی نزولی



مرحله اول: شناسایی
نواحی مقاومتی



چیزی که باید راجع به الگوی Head and
Shoulder بدونید اینه که این الگو احتمالا
نشون دهنده **بازگشت روند صعودی**
به نزولی ست. طبق روال استراتژی‌های
قبلی‌مون، قبل از هر چیز باید سطوح
مقاومت کلیدی شناسایی کنید.



مرحله سوم: تعیین نقطه ورود

(3)

همونطور که گفتیم، شرط ورود به هر معامله‌ای سیگنال‌های تاییدی‌ست. در این مثال، بعد از کشیدن **خط گردن** که در اینجا به عنوان یک ناحیه حمایتی به حساب میاد، باید رفتار قیمت رو رصد کنید. اگر قیمت خط گردن رو به پایین شکست و بعد به آن **پولبک** زد بلافاصله وارد **پوزیشن Short** بشید.



مرحله چهارم: تعیین حد سود و ضرر

(4)

با توجه به استراتژی مون، قرار بود که از روند نزولی و کاهش قیمت سود کنیم.

اما، این نکته رو به یاد داشته باشید که هیچ چیزی در بازارهای مالی قطعی نیست و همواره احتمال شکست خوردن وجود دارد. به همین منظور، برای مدیریت ریسکمون و برای اینکه متحمل ضرر زیادی نشید باید سفارش حد ضرر رو کمی بالاتر از خط گردن قرار بدید. همچنین، سفارش حد سود رو در نزدیکترین ناحیه حمایتی یا آخرین کف اصلی قیمت تنظیم کنید.



استراتژی صعودی



مرحله اول: شناسایی
نواحی حمایت

1

معمولا تشکیل الگوی Inverted Head and Shoulder نشون دهنده بازگشت روند نزولی به صعودیه! به همین دلیل، اولین کاری که باید بکنید اینه که سطوح حمایت کلیدی رو مشخص کنید.



مرحله دوم: بررسی الگوی سروشانه معکوس

(2)



در سطوح حمایت اصلی، باید بتوانید الگوی Inverted Head and Shoulder رو در نمودار قیمت ببینید. این الگو دو کف نسبتاً هم اندازه در دو طرف یک کف پایین تر تشکیل میده. حالا خط گردن این الگو رو رسم کنید.



3) مرحله سوم: تعیین نقطه ورود

TRADING
MODE



بعد از شناسایی الگوی Inverted Head and Shoulder، باید به دنبال تاییدیه‌های بیشتری باشید. اگر قیمت خط گردن رو به بالا شکست و به اون پولبک زد، وارد **پوزیشن Long** باشید.

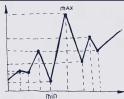




مرحله چهارم: تعیین حد سود و ضرر

(4)

از اونجایی که پوزیشن Long قرار دادیم، هدفمون اینه که از **افزایش قیمت** سود کنیم. حالا با توجه به این موضوع، **سفارش حد ضرر** رو یکم پایین تر از **خط گردن** قرار دادیم تا حتی اگه تحلیلمون شکست خورد یا پیش بینی مون اشتباه بود، ضرر زیادی نکنیم. **سفارش حد سود** رو هم تا **آخرین سقف اصلی قیمت** قرار دهید.



استراتژی کسب سود از ترکیب ISR و نواحی کلیدی عرضه و تقاضا



مرسی که تا اینجا همراهمون بودی!

تا اینجا، از الگوهای کندل استیک و نموداری
گفتیم. یادت باشه که همه چیزهایی که
گفتیم رو می‌تونی توی حساب دمو امتحان
کنی بدون اینکه متحمل ضرر بشی! از اینجا
به بعد، می‌خوایم به استراتژی‌های
متکی بر اندیکاتورها تمرکز کنیم.

استراتژی صعودی



EAT

SLEEP

TRADE

REPEAT

مرحله اول: شناسایی
نواحی حمایت



دیگه تا الان باید فهمیده باشید که قبل از هر کاری باید با توجه به روند بازار، نواحی حمایت و مقاومت رو مشخص کنید. اگر روند کنونی بازار نزولی بود سطوح حمایت رو مشخص کنید تا وضعیت بین نیروهای عرضه و تقاضا برات روشن تر بشه.



مرحله دوم: اعمال اندیکاتور RSI و بررسی واگرایی

(2)

در قدم بعدی، باید اندیکاتور RSI رو به پلتفرم معاملاتی خود و نمودار قیمت اضافه کنید. اگه یادتون باشه گفتیم که اگر قیمت در حال کاهش اما اندیکاتور RSI کفهای بالاتر تشکیل داد، واگرایی Bullish یا گاوی اتفاق افتاده است. این به این معنیه که فشار خرید افزایش پیدا کرده و احتمالاً روند بازار تغییر میکنه.



(3) مرحله سوم: دریافت تاییدیه‌های بیشتر



درسته که واگرایی‌های گاو
نشون‌دهنده تغییر روند بازاره اما
برای پیدا کردن نقطه ورود باید
تاییدیه‌های بیشتری بگیرید
تا بفهمید که آیا قاره روند
صعودی بشه یا رنج بزنه.
الگوهای قیمتی می‌تونند
سیگنال‌های خوبی برای ما باشند.



اگر الگوهای نموداری کف دوقلو (Double Bottom)، سر و شانه معکوس (Inverted Head and Shoulders)، پرچم (Flag)، و ج (Wedge) و غیره یا الگوهای کندل استیک مانند ستاره صبح (Morning Star)، پوشاننده صعودی (Bullish Engulfing) و موارد مشابه رو دیدیم می‌فهمیم که روند بازار صعودی می‌شه. مثلا در تصویر زیر یک الگوی Wedge تشکیل شده است:



مرحله چهارم: پیدا کردن نقطه ورود

(4)

دقیقا طبق تصویر، منتظر شکست الگوی Wedge به سمت بالا باشید تا وارد پوزیشن Long بشید.



Stop Loss

**مرحله پنجم: تعیین
حد سود و ضرر**

(5)

طبق روال قبل، برای پوزیشن Long سفارش حد ضرر رو پایین تر از ناحیه مقاومتی الگوی Wedge قرار بدید تا از زیان های احتمالی به دور باشید. برای تعیین حد سود هم به آخرین ناحیه مقاومتی و سقف قیمت نگاه کنید و حد سود رو دقیقا تا همین ناحیه قرار دهید.





استراتژی صعودی

1 مرحله اول: شناسایی نواحی مقاومت

درست برعکس مورد قبلی، روند صعودیه پس برای فهمیدن وضعیت بین **نیروهای عرضه و تقاضا** باید **نواحی مقاومتی** رو بکشید.



2 مرحله دوم: اعمال اندیکاتور RSI و بررسی واگرایی

اندیکاتور RSI رو به نمودار قیمت اضافه کنید. بعدش، واگرایی‌های Bearish یا خرسی بین نمودار قیمت و نمودار RSI رو چک کنید.

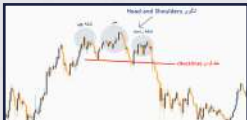
درسته که قیمت **سقف بالاتر** میزنه، اما چون اندیکاتور RSI به طور همزمان **سقف های پایین تر** رو شکل داده می تونیم بگیم که قیمت با افزایش **فشار فروش** همراهه، که ممکنه جهت روند رو تغییر بده.



مرحله سوم: دریافت تاییدیه های بیشتر

(3)

درست مثل مورد قبل، به دنبال الگوهای نموداری Bearish یا نزولی از جمله الگوی سقف دوقلو (Double Top)، سر و شانه (Head and Shoulders)، و غیره، یا الگوهای کندل استیک مانند ستاره ی عصرگاهی (Evening Star)، پوشاننده نزولی (Bullish Engulfing) و موارد مشابه هستیم تا پیش بینی و تحلیل مون رو تایید کنیم. همونطور که در تصویر می بینید، قیمت یک الگوی Head and Shoulders تشکیل داده است.



4) مرحله چهارم: پیدا کردن نقطه ورود

همونطور که قبلا تاکید کردیم، شکست خط گردن رو به پایین یک تاییدیه برای ورود به پوزیشن Short یا فروشه.



Stop Loss



مرحله پنجم: تعیین
حد سود و ضرر

(5)

برای پوزیشن Short، سفارش حد ضرر
رو یکم بالاتر از خط گردن قرار بدید،
سفارش حد سود رو هم نزدیک ناحیه
حمایتی یا آخرین کف قیمت بذارید.



استراتژی کسب سود از
اندیکاتور فیبوناچی و
حرکت های اصلاحی بازار

در این قسمت، می‌خوایم به استراتژی
دیگه بهتون معرفی کنیم که بر پایه
اندیکاتور فیبوناچی هستش. مطمئن
باشید این هم به سادگی موارد قبله. کلا
مفاهیم تئوری پیچیدگی خاصی ندارند؛
در عمل که همه چیز به ذره سخت میشه.
به همین دلیل، باز هم پیشنهاد می‌کنم
که همه چیز که یاد گرفتید
رو در حساب دمو آزمون و خطا کنید.



**استراتژی
نزولی**



**مرحله اول: تعیین
روند کلی بازار**

1

قبل از استفاده از فیبوناچی اصلاحی، باید روند غالب بازار رو، چه صعودی یا نزولی، شناسایی کنیم که در تصویر پایین، همونطور که می بینید، روند بازار نزولیه.



مرحله دوم: اعمال اندیکاتور فیبوناچی اصلاحی

(2)



حالا که روند کلی بازار مشخص شد، باید **سقف و کف اصلی** یک حرکت اصلی (Impulsive) رو در نمودار قیمت شناسایی و بعدش ابزار **فیبوناچی اصلاحی** رو اعمال کنید. برای استفاده از ابزار فیبوناچی اصلاحی در **روند نزولی**، اول **بالا ترین نقطه (سقف)** و بعد **پایین ترین نقطه قیمت (کف)** را انتخاب کنید.

اندیکاتور فیبوناچی به صورت خودکار، خطوط افقی مربوط به سطوح ۲۳٫۶، ۳۸٫۲، ۵۰، ۶۱٫۸ و ۷۸٫۶ درصد رو بر مبنای نقاط سقف و کف مشخص شده ترسیم می‌کند و به‌همون می‌گه که قبل از ادامه روند در جهت اولیه، احتمالاً تا چه ناحیه‌ای قیمت اصلاح می‌شه **در این استراتژی نواحی ۵۰ و ۶۱٫۸ درصد اهمیت دارن** و باید رفتار قیمت رو در این نواحی خاص بررسی کنید.



18⁹⁹

**مرحله سوم: جستجوی
الگوهای نموداری**

(3)

در مرحله اصلاح، باید یک الگوی تاییدی در اطراف سطوح اصلی فیبوناچی پیدا کنید.

همونطور که در تصویر می بینید، قیمت یک الگوی Double Top تشکیل داده پس باید خط گردن این الگو رو مشخص کنید.



مرحله چهارم: تعیین نقطه ورود

(4)

حالا برای تعیین نقطه ورود، تاییدیه هاتون رو مرور کنید. اگر به تصویر نگاه کنید، می بینید که قیمت، خط گردن رو به پایین شکسته و به اون پولبک هم زده. در این مرحله، می تونید به پوزیشن Short وارد شید.





مرحله پنجم: تعیین
حد سود و ضرر

(5)

با توجه به روند معامله، سفارش حد ضرر رو
یکمی بالاتر از خط گردن و سفارش حد سود
رو نزدیک آخرین کف قیمت اصلی قرار بدید.



استراتژی
صعودی

مرحله اول: تعیین
روند کلی بازار

(1)

این استراتژی رو می‌خوایم با کمک شما پیش ببریم، قدم اولمون چی بود؟ آفرین! **پیدا کردن روند کلی بازار**. اگر به نمودار قیمت نگاه کنید، می‌بینید که قیمت یک **روند صعودی** داره. پس، قرار شد در روند صعودی به دنبال پوزیشن‌های Long باشید و در جهت روند معامله کنید.



مرحله دوم: اعمال

اندیکاتور فیبوناچی اصلاحی

(2)



بعد از مشخص کردن روند کلی بازار، سقف و کف اصلی یک حرکت اصلی (Impulsive) رو در نمودار قیمت شناسایی و بعدش ابزار فیبوناچی اصلاحی رو اعمال کنید.

برای استفاده از ابزار فیبوناچی اصلاحی در روند صعودی، **اول پایین ترین نقطه (کف)** و **بعد بالاترین نقطه قیمت (سقف)** را انتخاب کنید. فایده اندیکاتور فیبوناچی چیست؟ اینکه اندیکاتور فیبوناچی بهمون می‌گه که قبل از ادامه روند در جهت اولیه، احتمالاً تا چه ناحیه‌ای قیمت اصلاح میشه؛ در واقع، پایان احتمالی اصلاح قیمت رو به ما می‌گه. در این استراتژی نواحی ۵۰ و ۶۱٫۸ درصد اهمیت داره و باید رفتار قیمت رو در این نواحی خاص بررسی کنید.



مرحله اصلاح از این جهت مهمه که می‌تونید در این سطوح به دنبال الگوهای تاییدی باشید. الگوی تاییدی به این معناست که می‌تونید نقطه ورود رو با اطمینان بیشتری انتخاب کنید. در این مثال الگوی ادامه‌دهنده Wedge رو می‌بینید که سیگنال ادامه روند صعودی رو به ما میده.



مرحله چهارم: تعیین نقطه ورود

4

تاییدیه‌هایی که در این تصویر می‌بینید اینه که قیمت، الگوی Wedge رو به بالا شکسته و هم‌زمان یک کندل قدرتمند صعودی هم تشکیل داده است. با بسته شدن این کندل وارد پوزیشن Long بشید.



مرحله پنجم: تعیین حد سود و ضرر

(5)

طبق روند معامله، سفارش حد ضرر رو کمی پایین تر از خط مقاومتی الگوی Wedge و سفارش حد سود رو در مسیر قیمت و تا آخرین سقف قیمت قرار بدید.

